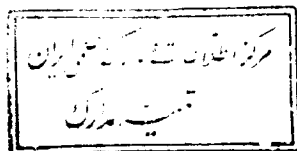


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۷۹ / ۷ / ۲۴



دانشگاه شهید باهنر کرمان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
بخش زبان و ادبیات فارسی

رساله برای تکمیل دوره کارشناسی ارشد  
ادبیات فارسی

۱۰۲۸۶

با عنوان:

«سیمای معشوق در آثار سعدی»

استاد راهنما:

دکتر احمد امیری خراسانی

مؤلف:

مطهره مراد علیزاده

خرداد ماه ۱۳۷۸

ب.ب.

۳۳ ۲۵۸

بسمه تعالی

این پایان نامه

به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد

به

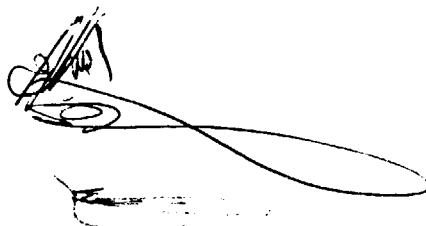
بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

امضاء

نام و نام خانوادگی



مطهره مراد علیزاده

دانشجو :

دکتر احمد امیری خراسانی

استاد راهنما:

دکتر یحیی طالبیان

استاد مشاور :

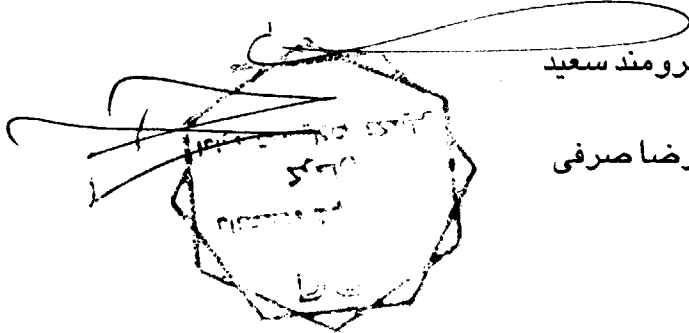
دکتر جواد برومند سعید

دور ۱ :

دکتر محمدرضا صرفی

دور ۲ :

دور ۳ :



حق چاپ محفوظ و مخصوص به مؤلف است

تقدیم به :

پسر «هومن» که نستوه و

استوار، صبور و بردبار،

یاری‌ا‌ه کرد

سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر او

علمی که ره به حق ننماید جهالت است

کلیات، صفحه ۴۲۶

## تقدیر و تشکر

«مَنْتَ خدای را عزّ و جلّ» که به من توفیق داد، تا در سایه لطف و عنایتش، این تحقیق را به انجام برسانم، هرچند در «ظلمات خطر گمراهی» است، اما «این مرحله را با همراهی» استادان گرانقدر و ارجمندم «طی کردم» و مراتب سپاس و تشکر خود را تقدیم حضورشان می‌دارم، که روشنگر راهم بودند و از محضرشان سودها بردم و بهره‌ها گرفتم، هرچند «کز عهده شکرشان قاصر».

بهترین سپاسهایم، به محضر استاد عزیز و گرانقدرم، جناب آقای دکتر احمد امیری خراسانی، تقدیم می‌دارم، که همواره، دلسوزانه و با صبوری و ژرفاندیشی و با بینش دقیق خود راهگشای من بودند، هرگاه، در این امواج توفنده، دچار سرگشتگی و دلواپسی می‌شدم، ایشان صبورانه، مرا به آرامش می‌خواندند و به ادامه راه تشویق می‌کردند و هدایتم می‌نمودند، توفیق ایشان را در خدمت به فرهنگ و ادب این مرز و بوم، از خداوند منّان خواستارم.

سپاسگزاری می‌کنم، از جناب آقای دکتر یحیی طالبیان، که با آرامش و متانت خاص خود، همواره با رهنمودهای ارزشمند خود هدایتم کردند و از نظرات ایشان بهره‌ها گرفته‌ام و برای آن وجود عزیز، نیز توفیق خدمت به جامعه فرهنگی از خداوند متعال خواستارم.

از الطاف بی‌دریغ دیگر استادان خوب و ارجمندم، آقایان: دکتر جواد برومند سعید،

دکتر ناصر محسنی‌نیا، دکتر محمدرضا صرفی، دکتر محمود مدبری، که از راهنمایان و مساعده‌های ایشان بهره‌مند شده‌ام سپاسگزارم و از خداوند برای همه این عزیزان، آرزوی سلامتی و طول عمر و خدمت به فرهنگ و ادب این مرز و بوم را خواستارم. همچنین از کارکنان بخش ادبیات و کتابخانه، مخصوصاً خانمها: احمدی، افشار، سعدونی، که با روی گشاده، صادقانه یاریم کردند، سپاسگزارم.

در پایان، از همسر و فرزندانم که مشوق و یاورم بودند و در این راه، با بردباری، مرا یاری نمودند و از هیچ کمکی دریغ نکردند، که همواره خود را رهین منت ایشان می‌دانم، تشکر و قدردانی می‌کنم.



## چکیده:

این نوشته، که در مورد سیمای معشوق در آثار سعدی است، حاوی نکاتی پیرامون موضوع عشق و ابعاد مختلف آن است، که در پنج فصل به شرح ذیل تدوین شده است. فصل اول، مقدمه است که به معرفی اجمالی شیخ اجل، سعدی، می‌پردازد. فصل دوم، اختصاص دارد به مبحث محبت، که اساس عشق است. در این فصل واژۀ محبت و عشق در آیات و احادیث و در واژه‌نامه‌ها و نیز در کلام عرفا و مشایخ و بزرگان بررسی شده، تا به حقیقت و اصل آن پی برده شود و با آگاهی و بینش بیشتر، چهرۀ معشوق سعدی و حقیقت عشق او نمایان گردد. فصل سوم، سیمای معشوق را در آثار سعدی، نشان می‌دهد، که ویژگیهای گوناگون معشوق همراه با شواهد شعری از کلام این شاعر شوریده بیان شده است. فصل چهارم، اختصاص دارد به مبحث صفات و ویژگیهای عاشق راستین، که همراه با شواهد شعری توضیح و شرح شده است. در پایان، فصل پنجم، برداشتی از تمام دریافتهاست، برآن امید که سیمای حقیقی عشق و معشوق و عاشق - این تثلیث عشق - بدرستی و راستی در آینۀ کلام سعدی نمایانده شود.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	فصل اول: مقدمه مقدمه
<b>فصل دوم - سرآغاز سخن: عشق</b>	
۱۱	۱- سرآغاز سخن: عشق
۱۱	۲- محبت
۱۱	الف - حب یا محبت در لغت
۱۲	ب - محبت در آیات و احادیث
۱۴	ج - محبت از دیدگاه عرفا و مشایخ
۱۷	د - توصیف محبت (روایات)
۱۹	ه - انواع محبت
۲۱	و - نشانه‌های محبت
۲۳	۳- عشق
۲۵	الف - تعریف عشق
۲۷	ب - عشق در لغت
۳۰	ج - پذیرش کلمه عشق
۳۱	د - نخستین کسانی که کلمه عشق را بکار برده‌اند
۳۱	ه - کاربرد واژه عشق و نتیجه‌گیری و معرفی گروهها در ارتباط با عشق و محبت
۳۳	و - انواع عشق (گونه‌های عشق)
۴۱	۴- ویژگیهای عشق
۴۱	الف - عشق ازلی است
۴۲	ب - بدایت عشق
۴۴	ج - کمال عشق
۴۷	د - جایگاه عشق
۴۸	ه - حالات عشق
۴۹	و - نشانه‌های عشق
۵۰	ز - صفات عشق
۵۱	۵- در شیوه عشق ورزیدن
۵۲	۶- در لزوم عشق و تأثیر آن
۵۴	۷- ناسازگاری عشق و عقل
۶۰	یادداشتها
<b>فصل سوم - سیمای معشوق</b>	
۶۵	۱- سعدی استاد عشق
۶۷	۲- دیدگاه صاحب‌نظران در باب عشق سعدی
۷۰	۳- سیمای معشوق در کلام سعدی
۷۱	۴- ازلی بودن معشوق



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷۳	۵- معشوق از دید عاشق .....
۷۵	۶- وصف ناپذیری چهره معشوق .....
۷۸	۷- بهت و حیرت در برابر زیبایی معشوق .....
۸۰	۸- معشوق به کسی شبیه نیست .....
۸۲	۹- از زیبایی ظاهری معشوق به کمال رسیدن .....
۸۴	۱۰- معشوق غایب حاضر است .....
۸۵	۱۱- معشوق مرده را زنده می‌کند .....
۸۸	۱۲- معشوق فرمانرواست .....
۸۹	۱۳- روی دوست چون بهشت است .....
۹۰	۱۴- با وجود معشوق، دوزخ بهشت است .....
۹۱	۱۵- معشوق بی‌نشان است .....
۹۲	۱۶- معشوق کعبه است .....
۹۳	۱۷- معشوق قبله است .....
۹۳	۱۸- معشوق آب حیات است .....
۹۴	۱۹- معشوق از رنگ گردن به ما نزدیک‌تر است .....
۹۵	۲۰- معشوق یکی است (واحد) .....
۹۵	۲۱- معشوق زیباست .....
۹۸	۲۲- معشوق جان است .....
۹۹	۲۳- سیری ناپذیری از دیدار معشوق .....
۱۰۰	۲۴- معشوق نازنین است .....
۱۰۱	۲۵- معشوق نیاز به زیور ندارد .....
۱۰۲	۲۶- جای معشوق بر دیده است نه بر خاک .....
۱۰۳	۲۷- هرچه از دوست رسد نیکوست .....
۱۰۷	۲۸- معشوق خورشید است .....
۱۰۹	۲۹- معشوق ماه است .....
۱۱۱	۳۰- معشوق گل است .....
۱۱۴	۳۱- معشوق سرو است .....
۱۱۷	۳۲- معشوق فرشته است (پری) .....
۱۱۹	۳۳- معشوق شیرین است (معشوقه خسرو پرویز) .....
۱۲۱	۳۴- معشوق دام‌گستر است .....
۱۲۳	۳۵- معشوق غزال (آهو) است .....
۱۲۴	۳۶- معشوق همچون طاووس طناز است .....
۱۲۵	۳۷- معشوق شمع است .....
۱۲۶	۳۸- معشوق غایت مقصود است .....
۱۲۷	۳۹- معشوق شکر است .....
۱۲۷	۴۰- معشوق متکبر و پرناز است .....
۱۲۷	۴۱- معشوق فتنه‌انگیز است .....

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳۱	۴۲- معشوق بت است .....
۱۳۳	۴۳- معشوق از حال عاشق بی‌خبر است .....
۱۳۴	۴۴- معشوق بی‌وفا و عهدشکن است .....
۱۳۵	۴۵- معشوق جفاکار و سنگدل است .....
۱۳۸	۴۶- معشوق خونریز است .....
۱۴۱	- جلوه معشوق در دیگر ابیات .....
۱۴۱	۴۷- معشوق هما و پرندۀ خوشبختی است .....
۱۴۱	۴۸- معشوق قوی است .....
۱۴۲	۴۹- معشوق بستان است .....
۱۴۲	۵۰- معشوق عنبرین است .....
۱۴۲	۵۱- معشوق گل‌اندام است .....
۱۴۲	۵۲- معشوق جوان است .....
۱۴۲	۵۳- معشوق بی‌نظیر است .....
۱۴۳	۵۴- معشوق عذراست (معشوقۀ وامق) .....
۱۴۳	۵۵- معشوق ویس است (معشوقه رامین) .....
۱۴۴	۵۶- بازارگر می معشوق .....
۱۴۴	۵۷- معشوق نور است .....
۱۴۴	۵۸- معشوق پاینده است .....
۱۴۴	۵۹- معشوق صبح است .....
۱۴۵	۶۰- معشوق دریاست .....
۱۴۵	۶۱- معشوق بهترین هدیه و ارمغان است .....
۱۴۵	۶۲- معشوق گنج است .....
۱۴۵	۶۳- معشوق گوهر است .....
۱۴۵	۶۴- معشوق شهر آشوب است .....
۱۴۶	۶۵- معشوق شور قیامت را دارد .....
۱۴۶	۶۶- معشوق تندخوست اما زیبارو .....
۱۴۶	۶۷- معشوق در خیال نمی‌گنجد .....
۱۴۶	۶۸- خیال معشوق .....
۱۴۷	۶۹- معشوق آینه است .....
۱۴۸	۷۰- معشوق درختی دلنشان است .....
۱۴۸	۷۱- معشوق خوب است .....
۱۴۸	۷۲- انتظار معشوق .....
۱۴۹	۷۳- مجموعه‌ای از جلوه‌های عشق .....
۱۵۲	یادداشتها .....
<b>فصل چهارم - سیمای عاشق</b>	
۱۵۴	۱- سیمای عاشق .....

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵۵	۲ - عاشق از خود بی‌خبر است
۱۵۷	۳ - از دو جهان فقط دوست را می‌خواهد
۱۵۹	۴ - عاشق در راه دوست سر و جان را نثار می‌کند
۱۶۰	۵ - فنا شدن عاشق در وادی عشق
۱۶۲	۶ - عاشق مطیع و فرمانبردار است
۱۶۵	۷ - عاشق ثابت قدم است
۱۶۷	۸ - عاشق از سرزنش دیگران ملول نمی‌شود
۱۶۸	۹ - عاشق از معشوق روگردان نمی‌شود
۱۶۹	۱۰ - عاشق جور و جفای معشوق را تحمل می‌کند
۱۷۲	۱۱ - عاشق اسارت را می‌پذیرد
۱۷۳	۱۲ - عاشق بی‌شکيب است
۱۷۵	۱۳ - عاشق بندش‌نو نیست
۱۷۸	۱۴ - عاشق توبه نمی‌کند
۱۷۸	۱۵ - عاشق خودکامه نیست
۱۷۹	۱۶ - درد عاشق
۱۸۱	۱۷ - درد عاشق درمان نمی‌پذیرد
۱۸۱	۱۸ - عاشق فروتن است
۱۸۲	۱۹ - عاشق ناتوان است
۱۸۲	۲۰ - عاشق نام معشوق را تکرار می‌کند
۱۸۳	۲۱ - روزگار عاشق
۱۸۳	۲۲ - مردن عاشق
۱۸۳	۲۳ - غم عاشق
۱۸۴	۲۴ - خواب عاشق
۱۸۵	۲۵ - عاشق متفکر و مصلحت‌اندیش نیست
۱۸۶	۲۶ - جز معشوق اندیشه دیگری در سر ندارد
۱۸۹	۲۷ - ناسازگاری عاشقی و مستوری

### فصل پنجم - ختم سخن

۱۹۵	۱ - ختم سخن
۱۹۹	۲ - کام جسمانی
۲۰۶	۳ - حظ روحانی
۲۱۴	۴ - غزلیات عاشقانه و عارفانه سعدی
۲۱۷	فهرست منابع

# فصل اول

## مقدمه

سعدیا خوشتر از حدیث تو نیست  
تحفه روزگار اهل شناخت  
آفرین بر زبان شیرینت  
کاینهمه شور در جهان انداخت

(کلیات، صفحه ۴۱۲)

## مقدمه

شیخ اجل، سعدی، از معدود شخصیت‌های ادبی ایران است، که نه تنها، در زبان و ادب فارسی شهره خاص و عام است، بلکه در عرصه ادبیات جهانی، از شهرت کم‌نظیری برخوردار است و هنر نویسندگی و شاعری او آنچنان زبانزد است، که نیازی به شرح و تفصیل نیست و پس از گذشت قرن‌ها، سخنان شیرین و جذاب او بر زبانها، ساری و جاری است، که «رقعه منشآتش را چون کاغذ زر می‌برند» و گلستانی جاوید پدید آورده، که «همیشه خوش است» و در بوستان را به روی آنانکه عزم سیر و تماشای فضایل اخلاقی و انسانی و عاطفی دارند، در ده‌باب گشوده است و اوج هنرنمایی و ذوق سلیم او در دنیای پر رمز و راز عشق، در غزلیات او متجلی شده است، غزلیاتی که حکایت از درد و آگاهی و سوز و گداز عاشقانه‌ای دارد که هم کام جسمانی را دربرمی‌گیرد و هم از حظ روحانی برخوردار است و عشق او به همه پدیده‌های عالم است که او را به سوی کمال راهبری و هدایت می‌کند.

با اینهمه، «در نام و نسب و تاریخ وفات این استاد بزرگ در میان نویسندگان و مؤلفان قدیم اختلاف است و گمان می‌رود که علة‌العلل این اختلاف، امری جز کثرت شهرت سعدی و افتادن نام بلندش در افواه خواص و عوام نیست.» [۱]

اما، بنا بر آنچه که اکثر مورخان بر آن متفق‌القولند و مشهور است: سعدی در اوایل قرن هفتم در خاندانی اهل علم، در شیراز متولد می‌شود و در آغاز جوانی، برای تحصیل علم به بغداد می‌رود و پس از سیر و سفر، در کشورهای اسلامی، به زادگاه خود برمی‌گردد و نتیجه تجارب و اندوخته‌های خود را در کتابهای گلستان و بوستان، می‌نگارد و در اواخر عمر، انزوا و عزلت را برمی‌گزیند و سرانجام در اواخر قرن هفتم، در شیراز، در خانقاه خود، رخت از جهانی فانی درمی‌کشد و در همانجا مدفون می‌شود که زیارتگاه عاشقان جهان است.

هر که نشنیده است وقتی بوی عشق      گو به شیراز آی و خاک من بسوی

کلیات، صفحه ۷۲۰

همانطور که گفته شد، از زندگی این عارف بزرگ، اطلاعات اندکی در دست است که بیشتر به مطالبی که در آثارش آمده است، استناد می‌کنند.

نامش را «مشرف‌الدین مصلح و یا مشرف‌الدین مصلح‌الدین سعدی شیرازی» [۲] نوشته‌اند و یا «مصلح‌الدین ابو محمد عبدالله بن مشرف بن مصلح بن سعدی شیرازی، که در حدود سال ۶۰۵ و ۶۰۶ هجری، در شیراز متولد شد و پیش از استیلای مغول به عزم تحصیل به بغداد رفته و در مدرسه نظامیه علوم متداول زمان خود را درک کرده و از استادان معروف آن زمان، مانند شمس‌الدین ابوالمظفر و یوسف ابن قزوا علی، معروف به سبط ابن جوزی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی، بهره‌مند شده است و در اثر این تعلیمات عارف پیشه شد.» [۳]

«پی بردن به اینکه، استادان و همدرسان سعدی در بغداد چه کسانی بوده‌اند نسبتاً دشوار است، خود شاعر در بوستان، از دو تن از استادان خود، ابن جوزی و سهروردی، نام می‌برد.» [۴]

مطابق گفته خود سعدی، او به سیر و سیاحت پرداخته و بسیاری از کشورها و بلاد

اسلامی را دیده است، بالطبع، حوادث و ماجراهای زیادی بر او گذشته است:

«سعدی در کلیات، از آسیای مرکزی، هندوستان، شامات، مصر، عربستان، حبشه، مغرب [مراکش] مانند کلاف سردرگمی بدون کمترین سرنخی نام برده است.» [۵]

آثار منظوم و منثور سعدی، که جزء شاهکارهای ادب فارسی است، مورد تقلید بسیاری از نویسندگان ایرانی قرار گرفت و حتی به زبانهای دیگر ترجمه شد و مورد استقبال قرار گرفت، آنچنانکه «صیت شهرتش در بسیط زمین گسترده شد.»

«[او] در اواسط قرن هفتم در عهد حکومت اتابک سلغری، ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳-۶۵۸ هجری = ۱۲۲۶-۱۲۵۹ میلادی) به شیراز بازگشت و منظومه حکمی بوستان را در سال ۶۵۵ هجری = ۱۲۵۷ میلادی به وی تقدیم نمود و سال بعد (۶۵۶ هجری = ۱۲۵۸ میلادی) گلستان را در مواعظ و حکم به نثر مزین آمیخته با قطعات و اشعار دل‌انگیز به نام شاهزاده سعد بن ابوبکر درآورد و به وی تقدیم نمود و از آن پس قسمت عمده عمر خود را در شیراز در خانقاه خود زیسته است و به سال (۶۹۱ هجری = ۱۲۹۱ میلادی) یا (۶۹۴ هجری = ۱۲۹۴ میلادی) درگذشته و در همان خانقاه مدفون گردیده است.» [۶]

### آثار سعدی:

«دو کتاب بوستان و گلستان، ره‌آوردی است که به گفته خود استاد، از قند مصری بس شیرین‌تر است.» [۷]

گلستان، یکی از شاهکارهای مسلم سعدی و یکی از مهم‌ترین آثار منثور ادبیات فارسی است. این کتاب گرانمایه، دارای آنچنان خصایصی است که شاید نتوان در هیچ کتاب دیگری یافت و دیگر آثار منثور سعدی، مجالس پنجگانه، رساله در پاسخ صاحب‌دیوان، رساله در عقل و عشق و نصیحة‌الملوک می‌باشد.» [۸]

«سعدی، با تصنیف گلستان، در نثر فارسی مبدع روشی تازه شد و ادب منثور